

چشمانت سرنوشت من است

نویسنده: غادة السّمان

مترجمان:

علی اکبر ملایی و مظاهر شریفی

سرشناسنامه: السمان، غادة، ۱۹۴۱م - Samnan, Ghadah.

عنوان قرارداد: عیناک قدری، فارسی.

عنوان و نام پدیدآور: چشمه‌های سرنوشت من است/ نویسنده غادة السمان؛

مترجمان: علی اکبر ملایی و مظاهر شریفی.

مشخصات نشر: تهران: خسرو شیرین، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۳-۳۴-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های کوتاه عربی -- قرن ۲۰م. - ترجمه شده به فارسی

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از عربی

شناسه افزوده: ملایی، علی اکبر، ۱۳۵۳ - مترجم

شناسه افزوده: شریفی، مظاهر، ۱۳۵۷ - مترجم

رده بندی کنگره: PJA/FAV۰۰ م ۹۰۳۳۱۳۹۳ع ۲

رده بندی دیویی: ۷۳۶۸۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۵۰۲۷۲



انتشارات خسرو شیرین

نام کتاب: چشمه‌های سرنوشت من است

نویسنده: غادة السمان

مترجمان: علی اکبر ملایی و مظاهر شریفی

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۳-۳۴-۰

تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی،

پلاک ۳۰ تلفن: ۶۶۴۱۲۵۶۳

فهرست

۴	درآمد
۹	چشمانت، سرنوشت من است
۲۷	دوزخ
۳۸	اگر
۵۰	خوارشدگان
۶۶	دشت‌های شقایق‌های نعمانی
۷۸	او را کشتیم تا نغمه سردهم
۹۰	گربه
۱۰۱	غار عقاب‌ها
۱۱۳	فراسوی عشق
۱۳۰	مردی در کوچه
۱۴۳	هم سن پدرم

درآمد

کتاب پیش‌رو، ترجمه‌ی ۱۱ داستان کوتاه است که در سال ۱۹۶۲ میلادی به قلم بانو غادة احمد السَّمان، ادیب فرزانه‌ی سوری، زینت تحریر یافته است. این کتاب در اصل شامل ۱۶ داستان به زبان عربی است که تاکنون بیش از ده بار تجدید چاپ و به چند زبان زنده، برگردان شده است. مترجمان بعد از مطالعه‌ی این مجموعه، به حکم سلیقه و با رعایت شؤونات فرهنگی مخاطب، تعداد ۱۱ داستان را گزینش و ترجمه کردند.

غادة السَّمان در سال ۱۹۴۲ در یک خانواده‌ی دانش‌پرور، در دمشق دیده به جهان باز کرد و تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات انگلیسی تا مرحله‌ی دکترا ادامه داد. وی دانشنامه‌ی کارشناسی خود را در دانشگاه سوریه، کارشناسی ارشد را در دانشگاه آمریکایی بیروت و دکترا را در دانشگاه لندن دریافت کرد. او پس از فراغت یافتن از تحصیل، مدت‌ها در لبنان به سر برد و به طور جدی به حرفه‌ی روزنامه نگاری پرداخت. آشنایی غادة با تمدن عربی و شرقی در کنار سفرهای فراوانش به اروپا، پشتوانه‌ی فرهنگی ارزشمندی را برایش به ارمغان آورد و افق دید و عمق درایتش را فزونی بخشید. حاصل این جامعیت فکری را می‌توان در میان آثار پرشمارش، دریافت. وی علاوه بر این که نویسنده و نکته‌سنجی برجسته

اغلب دختری است که در فواصل بین حوادث و رویدادهای داستان، در فراز و فرود احساسات و اندوه‌یادهای خود فرو می‌رود. در بیشتر این داستان‌ها سخن اصلی این است که نمی‌توان حقایق اصیل و والایی چون: عشق، آزادگی و انسانیت را که ریشه در فطرت انسان دارند، سرکوب کرد. حتی اگر بدآموزی‌ها و کج‌خُلقی‌های تاریخی، خاکستر قرن‌ها نفرت و نامرادی را بر نهاد انسان پاشیده باشند، باز شراره‌های این آتش مقدس، زبانه خواهد کشید و تمام پرده‌های تزویر و تجاها را خواهد سوزاند.

عمده‌ی این داستان‌ها، از فضای رومانتیک و عاطفه‌برانگیزی برخوردارند. استفاده‌ی مکرر از صفت‌هایی مانند: «وحشی» و «مبهم» و به کار بردن تشبیهات و تصاویر حسی و مجسم، لحنی شاعرانه خلق کرده‌اند که ذوق خواننده را لطف می‌بخشد و با احساساتش درمی‌آمیزد. متن، سرشار از جملات حکیمانه و تأمل‌برانگیزی است که عمده‌تأ ریشه در فلسفه و حکمت اروپا دارد و به طور ویژه آموزه‌های مکتب موسوم به اصالت هستی (اگزیستانسیالیسم) را فریاد می‌آورد. بی‌گمان سهم عمده‌ای از این تأثیرپذیری از شاهراه ادبیات غرب و به خصوص رمان‌های پرمایه‌ی ایشان محقق شده است. به طور مثال شخصیت ارباب در حکایت «خوارشدگان»، از جهاتی تداعی کننده‌ی زندگی و شخصیت رمان‌نویس بزرگ، تولستوی، است و داستان‌های «دوزخ» و «فراسوی عشق»، به گونه‌ای معکوس، حکایت اسکار وایلد در کتاب «تصویر دوربانگری» را فریاد می‌آورند. با این وجود، عمق و اصالتی در این آثار نهفته است که روح خواننده را تسخیر می‌کند و او را تا مدت‌ها به دنبال رشته‌ی عواطف و ایده‌های نویسنده می‌کشاند. زبان

این داستان‌ها، پویا و سیر حکایات، اصطلاحاً غیرخطی و شخصیت محور است. بر همین پایه، آخرین بند بسیاری از داستان‌ها، نقطه‌ی شروع آنهاست. ذهن نویسنده، هنگام نگارش داستان، جریانی سیال دارد و بین ساختارهای سه‌گانه‌ی زمانی یعنی گذشته، حال و آینده و نیز صیغه‌های مختلف غایب، مخاطب و متکلم، شناور است و هیچ محدودیتی نمی‌شناسد؛ چرا که در عالم انیری احساس و خیال، مرزهای زمانی و شناسه‌ها، جایگاهی ندارند. شیوه‌ی بیانی داستان‌ها، توصیفی و محاوره‌ای است و رویدادها در قالب توصیفاتی دلنشین و در فضایی کاملاً واقعی و به دور از جهش‌های اسطوره‌ای و اعجاز برانگیز، به وقوع می‌پیوندند. به طور کلی بیان ظریف و زنانه‌ی نویسنده در به تصویر کشیدن احساسات شورانگیز و کشمکش‌های روحی و عاطفی آدمی و به ویژه زنان جامعه‌اش، در کنار جسارت بی‌مانند وی که بر عرف‌های ناروا می‌تازد و محدودیت‌ها را درمی‌نوردد، امتیازی برجسته و ستودنی است.

امید است که این ترجمه با تمام کاستی‌هایش، گامی سودمند در راستای ترویج فرهنگ والای انسانی و ایجاد روح فضیلت و حقیقت‌جویی، قلمداد شود و زاویه‌ای کوچک اما سرشار از لطف و امتنان را در دل پرمهر خوانندگان فاضل و نکته‌دانش پیدا کند. «و عَلَیْهِ التَّكْلَان».

علی اکبر ملایی

استادیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

اسفندماه ۱۳۹۲